





شده است...

غنا را فقهای ما از جنس صوت می دانند و هیچ ارتباطی با محتوا ندارد... یعنی محتوای غنای حرام می تواند یک شعر مبتذل باشد می تواند یک آیه قرآن باشد.... مشکل بسیاری از این آقایان این بوده که امام آیه لهُو الحدیث را بر غنا تطبیق داده اند... حدیث لهُو که می شود از جنس محتوا....

یا قول الزور یا گفته دروغ.

ما مشکل را به این شکل حل کردیم که همانطور که روایت مفسر آیات است آیات هم می توانند مفسر روایات باشند... پس یک احتمال بدهیم که غنای حرام، غنایی است که در محتوا مشکل داشته باشد.

ولی برخی این افق را توجه نداشتند... مرحوم امام خمینی در غنا بحث مفصلی در کتاب مکاسب محرمة دارد ص 204 و 205 را ببینید. ایشان همین مشکل را دارد که چگونه روایت ذیل آیه را به آیه ربط بدهد... وی پنج احتمال داده است؛ بدون این که محصلی داشته باشد...

البته این مبحث را از من در حد یک بحث علمی قبول کنید و بروید و مطالعه کنید... تلاش ایشان از این جهت بی نتیجه است که توجه به آن افق نداشته است.

ایشان بعد انقلاب عملاً پذیرفت که هر غنایی حرام نیست؛

ما مباحث را در فقه هنر به گونه ای باید پیش ببریم که همه چیز در قالب قانون بیاید... یک بحثی الان مطرح است با عنوان فقه و قانون و یا فتوا و قانون.

مباحث فقه هنر اگر بخواهد اجرایی شود باید از صافی قانون عبور داده شود... در فتوا ممکن است اختلافاتی باشد اما وقتی در قالب قانون قرار میگیرد نمی تواند اختلافی در آن باشد.. باید به این موارد در برنامه ریزی توجه داشت....  
بحث بعدی ما این است: «حکم اولی فقه هنری و بررسی عوارض مغیر واحکام آن».

الحمد لله رب العالمین